

## بررسی و مطالعه جامعه‌شناختی ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات (مورد مطالعه استان کردستان)

فواد محمدی<sup>۱</sup>، دکتر سیف‌الله سیف‌اللهی<sup>۲</sup>، دکتر سید محمد سید میرزائی<sup>۳</sup>

### چکیده

هدف از تحقیق حاضر بررسی و مطالعه جامعه‌شناختی ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات (مورد مطالعه استان کردستان) بود، برای جمع‌آوری داده‌ها از روش‌های اسنادی و پیمایشی و دلفی استفاده شده است. جامعه آماری شهروندان زن و مرد استان کردستان بودند. که در این تحقیق دو جامعه آماری اعم از شهروندان ۲۰-۶۰ سال که تعداد آنها با توجه به سرشماری ۱۳۹۵ برابر با ۷۳۵۰۰۰ بود، روش تحقیق نمونه‌گیری خوشه‌ای بوده است. خوشه‌ها شهرهای استان بودند، با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر به عنوان نمونه‌ی آماری انتخاب شدند، ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود که روایی آن صوری و پایایی با استفاده از آلفای کرونباخ ۰/۸۳ به دست آمده است، تحلیل داده‌ها نشان داد ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان متفاوت است، بین عامل انسداد اجتماعی و دسترسی‌ها برابر به قدرت و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان رابطه وجود دارد، متغیر انسداد اجتماعی تأثیر مستقیم (۰/۲۶۸) و غیر مستقیم (۰/۲۵۷) بر ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات داشته است. متغیر دسترسی به قدرت نیز به صورت مستقیم با ضریب مسیر ۰/۴۰۰ بر ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان تأثیر داشته است.

**واژگان کلیدی:** عوامل اجتماعی، انسداد اجتماعی، قدرت، فرصت‌ها و امکانات

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۴/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۶/۱۰

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> دانشجوی دکتری جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران.

<sup>۲</sup> دانشیار گروه جامعه‌شناسی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات، تهران، ایران: (نویسنده مسئول)

<sup>۳</sup> استاد گروه جمعیت‌شناسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

## مقدمه

توزیع فرصت‌ها و امکانات یکی از عمومی‌ترین حقایق زندگی اجتماعی است و برای بسیاری از ناظران امری بدیهی است اما در عین حال مسئله‌ای نیست که به سادگی حل یا تبیین گردد، از آنجاییکه شکل‌بندی جوامع بشری همواره به صورت لایه‌ای بوده است. هر یک از جوامع به گونه‌ای اعضای خود را در موقعیت‌های اجتماعی نابرابر نظم داده‌اند، با توجه به دیدگاه سوروکین<sup>۱</sup> که بیان می‌دارد لایه‌ای بودن ساختمان جامعه به معنای متفاوت بودن یک جمعیت مفروض به صورت طبقاتی است، اساس و عصاره این وضع، توزیع نابرابرانه‌ای است که از لحاظ حقوق و امتیازات، وظایف و مسئولیت‌ها، ارزش‌ها و محرومیت‌های اجتماعی، قدرت و نفوذ در بین اعضای یک جامعه وجود دارد (کاشی و همکاران، ۱۳۷۳: ۷). مسئله نابرابری در جهان به عنوان دستاوردی تأسف‌بار در قرون اخیر گریبانگیر ملل مختلف شده است، به طوری که دولت‌ها را در حل این پدیده عاجز ساخته است، چنان‌چه بنا بر گزارش سال ۱۹۹۰ بانک جهانی در مورد توسعه، میانگین درآمد سرانه در کشورهای با درآمد بالا ۲۰۱۷۳ دلار و در کشورهای کم‌درآمد ۳۵۳ دلار بوده است (مهدوی حاجیلویی و همکاران، ۱۳۹۲). شناسایی مناطق محروم و توسعه نیافته، امری مهم و اساسی در جهت اتخاذ راهبردهای توسعه ملی و منطقه‌ای به شمار می‌رود که هدف عمده آن‌ها، کاهش نابرابری بین منطقه‌ای و درون منطقه‌ای است. روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره<sup>۲</sup> با دارا بودن قابلیت ارزیابی یکپارچه شاخص‌ها، ابزار مناسبی در اختیار برنامه‌ریزان قرار می‌دهند. امروزه در ایران بر خلاف گذشته افراد گرایش شدیدی به پیشرفت و ارتقاء پیدا کرده‌اند و زیر فشار ساختاری زایدالوصفی برای تحرک اجتماعی قرار دارند. در حالی که در گذشته جامعه و نظام قشر بندی از ثبات بیشتری برخوردار بوده و تغییرات آن متأثر از تحولات سیاسی بوده است (غفاری گیلانده و همکاران، ۱۳۹۶).

ابراهیم پور (۱۳۸۹) در تحقیق خود با عنوان رتبه بندی استان‌های ایران بر اساس شاخص‌های توسعه انسانی در سال‌های ۱۳۷۵ و ۱۳۸۵ به بررسی و مقایسه رتبه بندی استان‌ها و مناطق شهر و روستایی کشور در فاصله یک دوره ده ساله پرداخته است. نتایج این تحقیق نشان داد که بین استان‌های ایران از لحاظ توسعه انسانی نابرابری وجود دارد (مردوخی، ارسی و وثوقی، ۱۳۹۸: ۱۲۴).

<sup>۱</sup> Sorokin

<sup>۲</sup> MCDM

امروزه تمامی دولت ها به دنبال بهبود زندگی اجتماعی مردم و اجرای برنامه های توسعه می باشند. یکی از مواردی که دولت ها در برنامه های توسعه باید مد نظر داشته باشند، توسعه مناطق مختلف کشور در سطوح استانی است. لزوم توجه به استان های کشور با توجه به شرایط آنها و سرمایه گذاری متناسب در کشور موجب توسعه متوازن می شود و به تبع آن همه احاد جامعه به نسبت متناسب از امکانات دولتی برخوردار می شوند، عدم رعایت توزیع عادلانه فرصت ها و امکانات می تواند تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی در بر داشته باشد. بنابراین برنامه ریزی جهت توزیع عادلانه اهمیت ویژه ای دارد. به عبارت دیگر نابرابری باعث بدبینی مردم به نظام سیاسی، توسعه نابرابر، فقر و بیکاری و دیگر آسیب های اجتماعی می شود و اگر کاهش نیابد باعث مهاجرت و دست به دامن بیگانگان شدن و پیوستن به گروه های معاند و افراطی خواهد شد. ایران به عنوان کشور در حال توسعه برای طی کردن مسیر توسعه نیازمند رفع نابرابری هاست (سیف اللهی، ۱۳۸۷: ۱۹).

با توجه به اینکه که نابرابری در برخی از شاخص ها در میان کشورهای جهان روند رو به رشدی داشته، در داخل کشورهای جهان سوم ملموس تر هم بوده است (جمالی و همکاران، ۱۳۸۹). در دو دهه اخیر تجربه کشورهای جهان سوم نشان داد که رشد اقتصادی زیربنای رشد سایر ابعاد جامعه نیست، و باید برای نشان دادن وضعیت جوامع از مفهوم جامع تر توسعه استفاده کرد مفهومی که امروزه نشان دهنده نوع برتر توسعه است و نهادهای بین المللی این نوع توسعه را تجویز می کنند، توسعه همه جانبه و پایدار یک کشور نه تنها باید با منابع گوناگون آن هماهنگ باشد، بلکه می باید مبتنی بر فرهنگ بومی کشور و منطقه نیز باشد، تا بتواند پایدار و موفق باشد (حسین پناهی، ۱۳۹۳: ۳).

اکثر جامعه شناسان کلاسیک و معاصر به نحوی بر پیامدهای زیان بار نابرابری های اجتماعی به ویژه نابرابری در توزیع ثروت مادی و فرصت های جامعه تاکید می کنند. جالب توجه اینکه اغلب این نظریه پردازان با گرایش های نظری مختلف آثار نسبتاً یکسانی را در این باب برای جامعه پیش بینی کرده اند. آن ها معتقدند که نابرابری های قوام یافته ناشی از توسعه ناموزون در مناطق مختلف یک کشور تضاد آشکاری را به وجود می آورند که این امر فشار ساختاری را ایجاد می کند که نتیجه آن فراهم آوردن تمایل به تولید خشم محصور و در نتیجه بروز خشونت انتشاری است که تجلی آن جنایت و آدم کشی است. بر این اساس، می توان گفت تغییرات منطقه ای در نرخ های دگرگشی نتیجه عوامل نابسامانی اجتماعی و توزیع نابرابری ساختاری در بین مناطق کشور است (زارع و

زندگی لک، ۱۳۹۰: ۱۰۶). هرچند مدیران و مسئولان تلاش خود را برای رهایی از موانع و تنگنای‌های درون جامعه‌ای و برون جامعه‌ایی به کار بسته‌اند اما هنوز جامعه ایران نتوانسته است خود را از قید و بند اقتصاد پیرامونی برهاند چرا که جامعه ایران مثل همه جوامع انسانی از ترکیب پنج عنصر و مؤلفه‌های مربوط به آن شکل گرفته و توسعه یافته است که عبارتند از عناصر و مؤلفه‌های جغرافیایی، جمعیتی، اقتصادی، فرهنگی و سیاسی که با تأثیر پذیری از عوامل برون جامعه نوعی از نظام اقتصادی - اجتماعی شده بنیان نهاده است که امروز ما وارث آن هستیم در واقع وجود چنین بنیانی موجب شده است که توسعه اقتصادی، اجتماعی از یک حرکت ناموزون و نا هماهنگ برخوردار باشد (سیف‌اللهی، ۱۳۸۷: ۱۹). تدوین برنامه‌های توسعه جامعه ایران از شصت سال پیش توسط صاحب‌نظران و روشنفکران مطرح و اولین قانون برنامه توسعه ایران تصویب شد؛ اما توجه به ترکیب جمعیتی - قومی جامعه همچنان در برنامه‌های توسعه با موانع گوناگون اجتماعی مواجه بوده است. رستمی و همکاران (۱۳۹۶) نشان دادند که بین عوامل جامعه‌شناختی و نابرابری‌های اجتماعی رابطه وجود دارد. سیف‌اللهی و حافظ‌امینی (۱۳۸۸) نگاهی به عملکرد توسعه اقتصادی - اجتماعی قبل و بعد از انقلاب اسلامی مبین آن است که موانع و تنگنای‌های بنیادین بر سر راه تهیه برنامه‌های توسعه اقتصادی - اجتماعی و انسانی متناسب و مطلوب برای جامعه ایران به تریبی که موجب همگرایی گروه‌های قومی شود وجود داشته و دارد.

کیم و لی<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) نشان دادند که بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی فردی و نگرش نسبت به توزیع مجدد در میان افرادی که اعتقاد قوی تر داشتند موفقیت فراتر از کنترل افراد است، رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است. رابطه بین پایگاه اجتماعی - اقتصادی و نگرش نسبت به توزیع مجدد در کشورهایی با سطوح بالاتری از درک عمومی از نابرابری فرصت‌ها ضعیف تر بود. در نتیجه، مردم به طور صحیح از سیاست‌های توزیع مجدد (حتی بر خلاف خود منافع خود) به عنوان آنچه که آنها نابرابری فرصت را به رسمیت می‌شناسند، حمایت می‌کنند. هازاری و موهان<sup>۲</sup> (۲۰۱۵) نشان دادند که انباشت سرمایه منجر می‌شود به: ۱- از دست دادن و به حاشیه راندن گروه‌های محروم اجتماعی ۲- افزایش نرخ بازگشت سرمایه و ۳- کاهش میزان دستمزد گروه‌های محروم اجتماعی. همچنین نتایج تحقیق آنها نشان داد که تمرکز و انباشت سرمایه می‌تواند رفاه گروه‌های محروم اجتماعی را کاهش دهد. انباشت سرمایه می‌تواند نابرابری را بین گروه‌های مرفه و گروه

<sup>۱</sup> Kim&li

<sup>۲</sup> Hazari &Mohan

های محروم اجتماعی افزایش دهد. این تجزیه و تحلیل نشان داد که انسداد اجتماعی باعث افزایش نابرابری می شود.

آمار و ارقام و ضرایب و شاخص های توسعه ای در استان کردستان نشان می دهند که در کشور ۱۶ هزار کیلومتر شبکه بزرگراهی داریم که در حوزه بزرگراه استان، سهم استان کردستان ۱۹۵ کیلومتر بزرگراه است که میزان برخورداری استان ۱/۳ درصد بوده در حالیکه میانگین کشوری ۲۱ درصد است (خبرگزاری ایسنا، دسترسی آذر ۹۶) ضریب توسعه استان کردستان در شاخص های بهداشتی ۰/۲۶۲ بوده است و رتبه آن در بین ۳۱ استان کشور ۲۸ بوده است و تنها سه استان کرمانشاه، خوزستان و سیستان و بلوچستان بعد از آن بوده اند. طبق یافته های آنها استان کردستان از نظر شاخص های بهداشت و درمان جزء استان های محروم کشور بوده است (یزدانی و منتظر، ۱۳۹۶). وضعیت باسوادی افراد در سال ۱۳۹۵ برابر ۸۱/۵ درصد و در کل کشور ۸۷/۶ درصد است. براساس آمار سال ۹۵ بالاترین نرخ بیکاری جوانان دانشگاهی به تفکیک جنسیت ۷۵/۳ درصد برای استان کردستان در بین زنان ۴۵/۹ درصد در بین مردان برای کرمانشاه می باشد که روی هم رفته استان کردستان را جزء بیکارترین استانها قرار می دهد، از آنجا که حرکت جوامع از کشاورزی به صنعت و بعد به خدمات می باشد و هرچه سهم صنعت کمتر باشد نشان دهنده توسعه نیافتگی آن منطقه می باشد. براساس آمارگیری نیروی کار سال ۹۶ درصد بیکاری در کل کشور ۱۲/۱ و در استان کردستان ۱۳/۷ می باشد و میزان باسوادی در کل کشور ۸۷/۶ و در استان کردستان ۸۱/۵۱ می باشد که جز استان های آخری می باشد.

بنابراین از آنجایی که مهم ترین هدف از ساماندهی سیاسی فضا در هر کشور در درجه اول ارائه بهینه خدمات به حداکثر شهروندان و در مرحله بعد اداره و کنترل افرادی است که در چارچوب مرزهای سرزمینی زندگی می کنند؛ لذا وجود بی عدالتی های جغرافیایی و توسعه ناموزون بخش های جغرافیایی کشور ممکن است موجب آسیب همبستگی ملی شده و منجر به بروز تحولات واگرایانه بویژه در مناطق قومی شود که این مساله تاثیر سوئی بر امنیت و در نتیجه توسعه کشور دارد (ابراهیم زاده و همکاران، ۱۳۹۱: ۲۱۷). بنابراین با توجه به مطالب ارائه شده و تحقیقات انجام شده این تحقیق در پی بررسی این سوال است که چه عوامل جامعه شناختی بر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان تاثیر گذار می باشند؟

توسعه پایدار، مفهومی است که اخیراً در ادبیات جامعه شناسی مطرح شده است. مراد از توسعه پایدار تنها حفاظت از محیط زیست نیست؛ بلکه مفهوم جدیدی از رشد اقتصادی است، که عدالت

و امکانات زندگی را برای تمام مردم جهان و نه تعداد اندکی افراد، برگزیده است. در فرایند توسعه پایدار، سیاست‌های اقتصادی، مالی، تجاری، انرژی، کشاورزی، صنعتی و ... به گونه‌ای طراحی می‌شوند، که توسعه اقتصادی و اجتماعی و زیست‌محیطی را تداوم بخشد. بر این اساس، دیگر نمی‌توان برای تأمین مالی مصارف جاری، بدهی‌های اقتصادی که بازپرداخت آن بر عهده نسل‌های آینده است، ایجاد کرد. توسعه پایدار مستلزم ایجاد تغییری در استفاده از منابع، هدایت سرمایه‌گذاری‌ها به سمت‌گیری توسعه تکنولوژی و تغییرات نهادی‌ای است، که با نیازهای حال و آینده سازگار باشد. در نهایت می‌توان توسعه پایدار را به معنای عدم تحمیل آسیب‌های اقتصادی-اجتماعی و یا زیست‌محیطی به نسل‌های آینده دانست؛ هرچند آنچه از مفهوم توسعه پایدار مصطلح شده، صرفاً به عنصر حفاظت از محیط زیست توجه دارد (دیرباز، ۱۳۸۰: ۳۴).

تمرکز زیرساخت‌های اقتصادی و سرمایه‌گذاری در مکان‌های خاص موجب می‌شود تا در بلندمدت نابرابری فضایی شدیدی میان مناطق کشور پدید آید. این امر در جریان تولید مناطق پیشرفته و عقب مانده تأثیرات قاطعی گذاشته و موجب رقابت‌های شدید ناحیه‌ای، تشدید مهاجرت‌های ناحیه‌ای و جابجایی سرمایه و نیروی کار شده، منطقه‌ای توسعه یافته و منطقه دیگر از توسعه باز می‌ماند. توسعه ناموزون مناطق مختلف کشور در کنار عوامل بازدارنده جغرافیایی و طبیعی به عوامل انسانی و مدیریتی نیز بستگی دارد. وجود روحیه مرکز گرایی سبب عدم رشد خلاقیت‌ها و شکوفایی استعداد‌های منطقه‌ای شده است (امیراحمدیان، ۱۳۷۸: ۱۱۳). وجود نابرابری و ابعاد مختلف آن، از نشانه‌های مهم توسعه نیافتگی است زیرا درحقیقت کشورهایی توسعه یافته شناخته می‌شوند که علاوه بر اینکه از شاخص‌های اقتصادی و اجتماعی بالا برخوردار هستند، توزیع درآمدها و امکانات نیز در آن جوامع نسبتاً عادلانه است. اما در کشورهای توسعه نیافته هم مقادیر این شاخص‌ها پایین است و هم توزیع آن بسیار ناعادلانه است (مصلی نژاد، ۱۳۸۴: ۵۶).

نابرابری ممکن است به صورت تک بعدی یا در راستای هم در مناطق وجود داشته باشند. ذیلاً به برخی از مهمترین ابعاد نابرابری اشاره می‌گردد: ۱- **نابرابری موضعی**: مراد از نابرابری موضعی توزیع متراکم منابع ارزشمند در مواضع راهبردی است. اگر این نوع نابرابری در طول زمان کاهش نیابد نتایج زیانباری را برای رفاه عموم در بر خواهد داشت. نابرابری موضعی، نابرابری در توزیع منابع ارزشمند در جامعه است که خود به انواع نابرابری در حوزه‌های چهارگانه زندگی اجتماعی یعنی ثروت، قدرت، منزلت و اطلاعات تقسیم می‌شود. نابرابری اقتصادی با افزایش توسعه اقتصادی و افزایش تولید ورای نیاز مردم و مازاد اقتصادی به وجود آمد که این ارزش افزوده و

ثروت جدید در اکثر جوامع در اختیار قشر و افراد خاصی قرار گرفت و به تدریج با صنعتی شدن بیشتر و تقسیم کار تخصصی، بر سلسله مراتب موجود در جامعه افزوده شد. این نوع نابرابری را نمی توانیم انحصاراً مختص عصر جدید بدانیم اما بی شک در این عصر، شکل و ظهور جدیدی از آن قابل مشاهده است. اما نابرابری در قدرت به علت تراکم و محدودیت قدرت به وجود آمد که ناشی از تضاد درونی جوامع، احتمال خطر بیرونی، علقه امنیتی در جامعه و تفاوت ثروت اقتصادی و منزلتی بود. برخی، رابطه مستقیمی میان تراکم قدرت و توسعه اقتصادی قائلند و در مقابل برخی دیگر معتقدند توسعه اقتصادی منوط به دموکراسی و عدم تمرکز قدرت است. اما به طور کلی نمی توان نقش مهم ثروت و نابرابری مادی در ایجاد نابرابری های سیاسی و تراکم قدرت را نادیده گرفت. نابرابری منزلتی به علت ارزشمند بودن منزلت، شهرت، آبرو، نفوذ، عزت، احترام و اعتبار اجتماعی است که این مفاهیم چون از ارکان قدرت اجتماعی هستند، هرکس به کسب آنها تمایل دارد و به علت محدود بودن ذاتی منزلت، این مزیت، تنها به عده خاصی که از تمکن مادی، سیاسی و اطلاعاتی برخوردارند، منحصر می شود و به قشر بندی و نابرابری اجتماعی و منزلتی منجر می گردد. آخرین جنبه از نابرابری های موضعی، نابرابری اطلاعاتی است که باعث تراکم سرمایه فرهنگی در یک سو و فقدان سرمایه فرهنگی و اطلاعات در سوی دیگر می شود (چلبی، ۱۳۷۵، ۲۰۱).

**۲- نابرابری بخشی:** این نابرابری در واقع توزیع نابرابر امکانات در بخش های مختلف اقتصادی را شامل می شود. حداقل پنج نوع تقسیم بخشی را می توان از هم تمیز داد. این پنج بخش عبارتند از: **الف-** تقسیم بخشی بر اساس شکل مالکیت: این تقسیم بندی دو بخش را در حوزه اقتصادی با توجه به مکان تولید و مصرف از هم تمیز داد. بخش خصوصی و بخش عمومی. شکاف های بخشی مصرف و تولید به طور بالقوه تقسیمات طبقاتی را به طور عرضی قطع می کند و فکر می شود که در سال های اخیر اهمیت فزاینده ای در ارتباط با شکل دهی نابرابری اجتماعی و سوگیری سیاسی کسب نماید. **ب-** تقسیم بخشی بر اساس مشارکت خارجی: این تقسیم بندی غالباً بر اساس نظریه وابستگی صورت می گیرد. حوزه اقتصادی-اجتماعی به دو بخش عمده تقسیم می شود. بخشی که در آن سرمایه خارجی حضور دارد که معمولاً موسوم به بخش فراملیتی است و بخش بومی که در آن عنصر خارجی وجود ندارد. طبق این دیدگاه تمام افرادی که در بخش فراملی کار می کنند، صرف نظر از موقعیت طبقاتی به نسبت از مزیت بیشتری در مقایسه با افراد نظیر خود که

در بخش بومی کار می‌کنند، برخوردارند. در بخش اخیر افرادی که در مواضع عادی کاری می‌کنند دارای رابطه اتفاقی با محور عمده اقتصادی جامعه هستند و خصلت حاشیه‌ای دارند. به عبارت دیگر میزان پاداش مواضع نظیر به نظیر در دو بخش بومی و فراملی یکسان نیست. ج- تقسیم بخشی بر اساس تجدد: این تقسیم بندی بر اساس نظریه‌های نوسازی و نئوکلاسیک صورت می‌گیرد. حوزه‌های اقتصادی- اجتماعی بر اساس میزان به کار گیری روش‌ها، فنون، ارزش‌ها و سازماندهی نوین به دو بخش جدید و سنتی تقسیم می‌شوند. این دیدگاه نابرابری بخشی و حاشیه‌ای را از ویژگی‌های مرحله گذار می‌داند که منبعث از نوعی ناهمزمانی ساختی است. د- تقسیم بخشی براساس شیوه تولید: این تقسیم بندی مبتنی بر نظریه اتصال شیوه‌های تولیدی است. طبق این نظریه کشورهای در حال توسعه همزمان دارای شیوه‌های مختلف تولید سرمایه‌داری و ماقبل سرمایه‌داری اند. کم و کیف انواع شیوه‌های تولید و رابطه و اتصال آنها با یکدیگر چارچوب اصلی ساخت اجتماعی جامعه را مشخص می‌سازد. طبق این دیدگاه نوعی نابرابری رابطه‌ای بین دو بخش وجود دارد که حاصل آن نوعی انتقال ارزش از بخش ماقبل سرمایه‌داری به بخش سرمایه‌داری وابسته است. ۵- تقسیم بخشی بر اساس نوع فعالیت اقتصادی: این طبقه بندی متداول براساس تقسیم کار فنی استوار است که اقتصاد را به سه بخش خدماتی، کشاورزی و صنعتی مقوله بندی می‌نماید (چلبی، ۱۳۷۵، ۱۹۹-۱۹۸).

**۳. نابرابری فضایی:** منظور از نابرابری فضایی توزیع نابرابر فرصت‌ها و امکانات اقتصادی، اجتماعی در فضا است. نابرابری فضایی می‌تواند شامل: نابرابری‌های بین شهر و روستا، شهرهای کوچک و بزرگ، مناطق محروم و برخوردار و... می‌باشد. فوربز<sup>۱</sup> می‌گوید مساله منطقه‌ای حوزه مهمی را برای مجادله و مخالفت در میان جغرافیدانان معاصر، برنامه ریزان منطقه‌ای، متخصصین مسایل منطقه‌ای و دانشمندان اجتماعی به طور کلی فراهم نموده است (چلبی، ۱۳۷۵، ۲۰۱).

پارکین، تأکید می‌کند که فرآیندهای انسداد عواملی اند که در وراء تمامی ساختارهای نابرابری وجود دارند، ساختارهایی که علاوه بر روابط طبقاتی، استعمارهای قومی، دینی و جنسی و دیگر انواع استعمار را نیز شامل می‌شود. از نظر وی مبارزه بین سیاهان و سفیدان در آفریقای جنوبی،

<sup>۱</sup> Forbez



کاتولیک و پروتستان در ایرلند شمالی، یا زنان و مردان در اکثر ملت ها ناشی از تضاد بر سر انسداد و دستیابی به منابع و فرصت هاست.

پارکین بیشتر بر حصر اجتماعی تاکید می کند و دو نوع حصر مادی و حصر ناشی از خاستگاه اجتماعی (مذهب، زبان و غیره) را در نظر گرفت. وی معتقد است در حصر اجتماعی بعضی از گروهها به واسطه ی برخی ویژگی ها به منابع و مناصب اجتماعی دسترسی پیدا می کنند و به عنوان طبقه مسلط در می آیند و دیگران را در انقیاد خود قرار می دهند، بعضی از گروههای اجتماعی به واسطه مذهب، نژاد، زبان و غیره طرد شده و برعکس گروههای دیگر به خاطر همین ویژگی ها موقعیت های سیاسی، اقتصادی و اجتماعی را غصب می کنند. و این عامل زمینه ی اصلی توزیع نابرابر فرصت ها و امکانات بین افراد، گروهها و مناطق در کشور می شود.

از نظریه پارکین به این دلیل استفاده شد که می گوید اشکال بی شماری از استعمار وجود دارد که از طبقه متمایز و مستقل از ساختار طبقاتی عمل می کند که در جوامع مختلف دارای اهمیت متفاوتند و به طور نوعی می توان از نژاد، قومیت، جنسیت و مذهب یاد کرد، وی روابط مبتنی بر قدرت و ترکیب قدرت با انسداد اجتماعی را که باعث می شود برخی گروه بندی های اجتماعی، دیگران را از دستیابی به منابع و فرصت محروم سازند عامل اصلی نابرابری می داند و کنترل دارایی مولد را مهمترین شکل انسداد اجتماعی در جامعه می داند. افراد از طریق دولت قدرت کسب می کنند خاصه آن جناحهایی که قادرند در سلسله مراتب دولت رخنه کرده و بر پرسنل دولتی اعمال نفوذ کنند. بنابراین می توان نابرابری بین استان ها و عدم توسعه یافتگی استان کردستان را در پرتو عواملی از قبیل قومیت (کرد بودن) و مذهب (اهل تسنن) تبیین نمود. زبان و مذهب مردم استان کردستان با زبان و مذهب رسمی کشور متفاوت است و این تفاوت عاملی بر سر راه توسعه استان کردستان بوده است. به طور کلی بر اساس نظریه پارکین تنها زیر بنای اقتصادی مورد نظر مارکس نیست که تعیین کننده جایگاه افراد درون نظام اجتماعی است بلکه رو بناهای فرهنگی و اجتماعی و ... وجود دارند که بر سر راه دستیابی به منابع و امکانات و فرصت ها انسداد ایجاد می کند.

سنتز پیشنهادی لنسکی در حقیقت مجموعه ای از برخی فرض های اصلی دیدگاه های چپ و راست است که وی آن ها را به نحوی واقع بینانه ترکیب و تعدیل می کند و نتیجه می گیرد که همانطور که محافظه کاران مدعی اند، قدری نابرابری اجتماعی اجتناب ناپذیر است این امر تا اندازه ای بدین سبب است که انسان ها بر حسب تلاشی که می کنند و هوشی که دارند متفاوتند و سعی می کنند از این ویژگی های مطلوب برای پیشبرد منافع خود یا منافع گروه های خاصی که در

آن عضو هستند استفاده کنند. این امر بدین معنی نیست که تمام نابرابری‌ها ناشی از استعداد های ذاتی است، در حقیقت اکثر نابرابری‌ها علت‌های دیگری هم دارد. لنسکی معتقد است که تفاوت‌ها در دسترسی به قدرت، در نهایت نابرابری‌ها در میزان امتیازات مادی را تعیین می‌کند و قدرت و امتیاز جملگی از عوامل اصلی تعیین‌کننده حیثیت گروه‌ها و افراد در جامعه است. وی معتقد است که طبقات دارایی و طبقات تحصیلی و طبقات قومی و طبقات دینی و جزء این‌ها کل نظام طبقاتی را تشکیل می‌دهد. وی نقش دولت را در نظام‌های نابرابری جدید بسیار مهم می‌داند و دولت و ادارات دولتی مسبب ایجاد و اجرا و گاه تحمیل زورگویانه قوانین و حقوق قانونی می‌شوند (گروپ، ۱۳۷۳: ۱۷۲-۱۶۵).

کالینز<sup>۱</sup> معتقد است توزیع ثروت تغییر می‌یابد. تحلیل لنسکی بین مقطعی است و با برقراری تقابلی میان جامعه کشاورزی و صنعتی پایان می‌یابد. با این حال این‌ها مقولاتی بسیار کلان است که در درون خود آن‌ها تفاوت‌ها و تمایزات بسیاری وجود دارد. می‌توانیم هر کدام از این مقولات را بررسی کنیم و ببینیم که در درون هر یک از مقولات کلی، زیرمقوله‌های بسیاری وجود دارد. مثلاً اگر جامعه صنعتی مدنظر لنسکی را بررسی کنیم، می‌بینیم که زیرمقوله‌ها و زیرالگوهای بسیاری در آن وجود دارد که در تحلیل او جایی ندارند. از این جهت کار لنسکی با وجود تمام جذابیت‌هایش واقعیت را به تمامی در نظر نمی‌گیرد (کالینز ۲۰۰۴: ۲۲۷). نگارنده معتقد است که مشخص نیست منظور لنسکی از طبقه چه می‌باشد وی از یک سو طبقه‌های سه‌گانه را قبول دارد و از سوی دیگر ابعادی را مطرح می‌کند که طبقه‌ها به گونه‌ی دیگری است. وی همچنین نابرابری را مفهومی چند بعدی و بازتاب قدرت و امتیاز در جامعه می‌داند که توزیع این قدرت و امتیاز میان مردم و مناطق بر عهده‌ی دولت است، از آنجا که در جامعه‌ی ایران ثروت از طریق قدرت تامین می‌شود و خود قدرت از طریق دستگاه دولتی به افراد واگذار می‌شود بنابراین آن مناطقی که افراد صاحب منصب و نفوذ سطح بالایی در دستگاه دولتی دارند سهم بیشتری از قدرت و امتیاز را به خود اختصاص می‌دهند و آن استان‌ها و مناطقی که دسترسی اندک به قدرت دارند و نتوانسته‌اند در به دست آوردن پست‌های سیاسی و مدیریتی کلان کشور سهم باشند از نظر اقتصادی، آموزشی، امکانات رفاهی و غیره نسبت به بقیه مناطق کشور محروم بوده‌اند.

---

<sup>۱</sup> Collins

میلز در اثر خود «مردان جدید قدرت» معتقد بود که چون کارگران اراده‌ی سیاسی خود را به رهبران کارگری واگذار کرده‌اند نمی‌توانند به منزله‌ی نیروی سیاسی و انقلابی باشند و برخلاف امیدهای مارکس رهبران اتحادیه‌ی کارگری هیچ علاقه‌ای به تغییر اجتماعی گسترده نداشتند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۳۵). میلز در اثر دیگر خود "طبقه متوسط جدید" معتقد بود که طبقه متوسط جدید مشاغل یقه سفید را که نیازمند مهارت و هوش بودند در اختیار داشتند و از این طریق خود را از مشاغل یقه آبی که فیزیکی‌اند جدا می‌کردند و باکم رنگ شدن تفاوت میان این دو دسته مشاغل و همچنین تکراری و مکانیکی شدن مشاغل یقه سفید، برای نشان دادن منزلت اجتماعی و احساس قدرتمندی به سراغ مصرف و فعالیت‌های اوقات فراغت رفت و آلت دست فرهنگ توده‌ای شد که تنها به ارضایی زودگذر و احساس قدرت دست یافت و نه چیزی حقیقی و به توده‌ای بی‌خاصیت و غیرسیاسی و تحت کنترل نخبگان دیوان‌سالاری قرار گرفتند به جای آنانکه حاملان برنامه عمل اصلاحات اجتماعی تازه‌ای باشند (سیدمن، ۱۳۸۶: ۱۴۲-۱۳۷).

وی بر این باور بود که قدرت به شکل سلسله مراتبی میان حقوقدان‌ها، بانکداران سرمایه دار، افسران ارتش، روسای ستاد مشترک و سیاستمداران طراز بالا نظیر رییس جمهور و مشاوران نزدیک وی و نیز اعضای شورای امنیت ملی توزیع شده است که تصمیم‌های اساسی را می‌گیرند. در سطوح میانی اعضای کنگره، قضات، رهبران گروه‌های ذی نفوذ و فعالان حزبی قرار دارند که نقش مذاکره‌کننده و مصالحه‌کننده قدرت را بر عهده دارند و در لایه پایین توده‌های فاقد قدرت قرار دارند (قوام، ۱۳۸۰: ۱۳۷).

بر مبنای نظریه میلز هم می‌توان گفت که قدرت و منابع اقتصادی در دست تعداد معدودی از افراد جامعه است که این عده کنترل تمامی امکانات جامعه را برعهده دارند. این گروه از افراد جامعه که میلز از آنها به عنوان نخبگان قدرت یاد کرده است منابع مشابهی در توزیع ثروت، منزلت و قدرت دارند و با هم تعامل دارند و بیشتر مرکز نشین‌اند و کمتر لایه‌های پایین را در درون طبقه خود جای می‌دهند که می‌توان گفت بیشتر فرصت‌ها و امکانات در مرکز توزیع شده است تا در مناطق و استان‌های دور از مرکز و مرزی کشور.

زارع شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۷) تحقیقی در مورد عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با احساس نابرابری اجتماعی در شهر کازرون انجام داده‌اند، نتایج نشان داد که متغیرهای سن، تعداد اعضای خانواده، پایگاه اجتماعی-اقتصادی خانواده و دسترسی نابرابر به مسیرهای استخدامی، تجمل‌گرایی، سرمایه‌ی اجتماعی، دسترسی نابرابر به امکانات بهداشتی، با نابرابری اجتماعی

رابطه‌ی معناداری دارند. همچنین نتایج رگرسیون نشان داد که تجمل‌گرایی و دسترسی نابرابر به امکانات بهداشتی در مجموع ۴۵ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند. رستمی و همکاران (۱۳۹۶) تحقیقی با عنوان بررسی عوامل جامعه‌شناختی موثر بر نابرابری‌های اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان نورآباد لرستان) انجام دادند، نتایج نشان داد که ضریب همبستگی پیرسون برای رابطه بین عوامل جامعه‌شناختی و نابرابری‌های اجتماعی (مطالعه موردی شهرستان نورآباد لرستان) ۰/۳۹۵ برآورد گردیده است. با توجه به ملاک‌ها، می‌توان گفت که بین عوامل جامعه‌شناختی و نابرابری‌های اجتماعی در شهرستان نورآباد لرستان رابطه همبستگی متوسطی وجود دارد که با توجه به سطح معناداری که برابر ۰/۰۰۱ برآورد گردیده است، این میزان همبستگی در سطح اطمینان ۰/۹۹ از لحاظ آماری معنادار قلمداد می‌گردد. نصیری (۱۳۹۲) تحقیقی با عنوان بررسی مقایسه‌ای سطح توسعه و عدم تعادل صنعتی در منطقه زاگرس و عوامل مؤثر بر آن انجام داده است، نتایج نشان داد که نتایج حاصل از پژوهش بیانگر وجود اختلاف بالا بین این استان‌ها از حیث درجه توسعه یافتگی صنعتی است. براساس محاسبات تحقیق، استان‌های همدان و لرستان با درجه برخورداری ۴۵٪ و ۴۷٪ در بالاترین سطح توسعه یافتگی صنعتی قراردارند و در جایگاه استان‌های توسعه یافته منطقه زاگرس جای گرفته‌اند، استان‌های کرمانشاه و کردستان و ایلام با درجه برخورداری ۶۴٪ و ۷۶٪ و ۸۷٪ به عنوان استان‌های توسعه نیافته شناخته شدند. همچنین ضریب اختلاف ۲۶٪ در تکنیک شاخص بندی و ۲۸٪ در تکنیک تاکسونومی عددی نمایانگر وجود شکاف نسبتاً بالایی از بعد توسعه صنعتی بین استان‌های پنجگانه منطقه زاگرس می‌باشد. طهماسبی و همکاران (۱۳۹۱) تحقیقی با عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر احساس نابرابری‌های اجتماعی و پیامدهای آنها در شهر تهران انجام داده‌اند، نتایج نشان داد که تفاوت معنا داری بین احساس نابرابری اجتماعی و متغیرهای فرصت اجتماعی، محدوده جغرافیایی، برنامه‌های رسانه‌ای (مخاطبان رسانه، داخلی و خارجی) وجود دارد. اما بین احساس نابرابری اجتماعی و متغیرهای قومیت، مذهب، پایگاه اجتماعی، برنامه‌های رسانه‌ای (برنامه‌های مختلف رسانه) و افراد با سطوح تحصیلاتی مختلف تفاوت معنا داری وجود ندارد. کیم و لی<sup>۱</sup> (۲۰۱۸) در تحقیقی به بررسی رابطه پایگاه اجتماعی-اقتصادی، نابرابری فرصت و نگرش نسبت به توزیع مجدد پرداختند، نتایج نشان داد که بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی فردی و نگرش نسبت به توزیع مجدد در میان

---

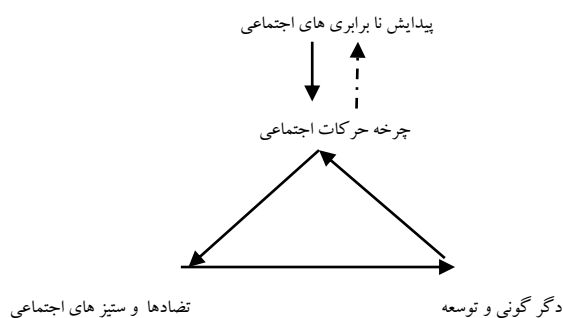
<sup>۱</sup> - Kim & Lee

افرادی که اعتقاد قوی تر داشتند موفقیت فراتر از کنترل افراد است، رابطه مثبت و معناداری وجود داشته است. تصور مشترک از نابرابری فرصت ها در سطح کشور نیز معنادار بود. رابطه بین پایگاه اجتماعی-اقتصادی و نگرش نسبت به توزیع مجدد در کشورهایی با سطوح بالاتری از درک عمومی از نابرابری فرصت ها، ضعیف تر بود. در نتیجه، مردم به طور صحیح از سیاست های توزیع مجدد (حتی بر خلاف خود منافع خود) به عنوان آنچه که آنها نابرابری فرصت را به رسمیت می شناسند، حمایت می کنند. پeralías و اوایلا<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در تحقیقی به بررسی پیامدهای نابرابری مداوم در سرمایه اجتماعی: تجزیه و تحلیل داده های اهدای خون در سطح شهری پرداخته اند. نتایج نشان داد که در واقع نابرابری مداوم (به وسیله نابرابری سرزمینی اندازه گیری شده است) بر میزان اهدای خون تاثیر منفی گذاشته است، که نشان می دهد نابرابری به سرمایه اجتماعی آسیب رسانده است. هازاری و موهان<sup>۱</sup> (۲۰۱۵) در پژوهشی به بررسی رابطه انسداد اجتماعی، انباشت سرمایه و نابرابری پرداخته اند. نتایج نشان داد که تمرکز و انباشت سرمایه می تواند رفاه گروه های محروم اجتماعی را کاهش دهد. انباشت سرمایه می تواند نابرابری را بین گروه های مرفه و گروه های محروم اجتماعی افزایش دهد. این تجزیه و تحلیل نشان داد که انسداد اجتماعی باعث افزایش نابرابری می شود. زینگک<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۵) تحقیقی با عنوان ارزیابی نابرابری های اجتماعی-اقتصادی در استفاده از خدمات بهداشتی مادران در مناطق روستایی غرب چین انجام دادند. آنها بهبود وضعیت اقتصادی خانوار، ارائه خدمات بهداشتی زایمان برای زنان با درآمد و سطح تحصیلات پایین، ارائه راهنماهای بهداشتی و بهبود شرایط ترافیکی به عنوان روش هایی برای از بین بردن نابرابری های اجتماعی-اقتصادی در استفاده از خدمات بهداشتی مادران پیشنهاد دادند. نگارنده با نگاه به نظریات مارکس و پارکین معتقد است کسانی که جزء طبقه ی مالک و عموماً مرکز نشین هستند ساختار توزیع امکانات و فرصت ها را نیز هدایت می کنند و از طریق ثروت خود، دیگر مولفه های اجتماعی را نیز کنترل می کنند و مولفه هایی را که جزء طبقه ی آنها نباشند مثل مذهب و قومیت غیر خودی حساب می کنند و کمتر بدان توجه می کنند بنابراین این افراد در تملک قدرت و ثروت سهم کمتری دارند. که چنین روابط اجتماعی نا عادلانه را در جامعه، سیف الهی در پارادایم فرایند توسعه در جامعه انسانی به خوبی نشان می دهد:

---

<sup>۱</sup> - Peralías & Avila

شکل‌گیری روابط اجتماعی ناعادلانه در جامعه



نمودار ۱: پارادایم فرایند توسعه در جامعه انسانی (سیف‌الهی، ۱۳۸۶: ۵۵)

از آنجاکه استفاده از امکانات در جهان هستی، به ویژه در جوامع انسانی به علت استفاده‌ی نامطلوب و یا در واقع به علت شکل‌گیری روابط اجتماعی ناعادلانه در جامعه که به صورت مطلوب و عادلانه توزیع نمی‌شود می‌باشد. بنابراین توسعه نیز در جامعه انسانی به اشکال گوناگون پدیدار می‌شود. توسعه ناموزون یکی از انواع توسعه است که به علت شرایط خاص روابط بین‌الملل تحت عنوان توسعه پیرامونی یا توسعه ناپایدار نامیده می‌شود. چرخه‌ی مزبور به علت استمرار و تداوم روابط اجتماعی ناعادلانه در جوامع انسانی به‌طور نسبی و توأم با فراز و نشیب‌هایی پایدار مانده است و هر قدر در جامعه روابط اجتماعی ناعادلانه و بی‌عدالتی‌های اجتماعی بیشتر و عمیق‌تر باشد، ستیزها و تضادها نیز عمیق‌تر می‌شوند و در نتیجه توسعه با حرکات تند و تیز اجتماعی، ناموزون‌تر، ناپایدارتر و ناهماهنگ‌تر رخ می‌نماید (سیف‌الهی، ۱۳۸۶: ۵۶). به‌طور کلی فرایند پیدایش روابط اجتماعی ناعادلانه نشأت گرفته از عملکرد ساختار ناموزون نظام اجتماعی است ساختار ناموزون نظام اجتماعی نیز ناشی از ماهیت و کارکرد ساختار درونی و بیرونی عناصر بنیادین تشکیل‌دهنده‌ی نظام اجتماعی است.

سه فرضیه در این تحقیق مورد آزمون قرار می‌گیرد:

- ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان در مقایسه با سایر استان‌های کشور تفاوت دارد.
- بین عامل انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان رابطه وجود دارد
- بین دسترسی به قدرت در جامعه ایران و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان رابطه وجود دارد.

## روش شناسی

در این تحقیق برای جمع آوری داده های مورد نیاز تحقیق از روش های اسنادی و پیمایشی استفاده شده است. در این بخش بر اساس متغیرهای تحقیق، پرسشنامه تنظیم گردیده و از شهروندان استان کردستان (۲۰-۶۰ سال) پرسیده شد. جامعه آماری تحقیق حاضر از کلیه شهروندان زن و مرد ۲۰ الی ۶۰ سال استان کردستان (شهرهای سنندج، مریوان و سقز به عنوان نمونه) که در سال ۱۳۹۷ و در هنگام اجرای تحقیق در این استان ساکن بودند و تعداد آنها برابر سرشماری سال ۱۳۹۵ حدود ۴۶۰۵۸۶ نفر بود. در این تحقیق به دلیل وسعت و ناهمگونی جامعه آماری ابتدا از روش نمونه گیری خوشه ای استفاده شده است. خوشه ها همان شهرهای استان می باشند. با توجه به اینکه هدف مطالعه و بررسی توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان و عمدتاً از ازدیدگاه شهروندان کرد اهل تسنن بوده است، سه شهر سنندج، مریوان و سقز به عنوان خوشه ها انتخاب شدند. در داخل هر شهر بر اساس نقشه سازمان مسکن و شهرسازی و شهرداری چند محله به صورت تصادفی انتخاب شدند در مرحله بعد در هر منطقه بر اساس نقشه جغرافیایی شهر چند بلوک و خیابان و در نهایت کوچه را به شیوه نمونه گیری تصادفی انتخاب شده و در پایان با مراجعه به درب منازل با فرد مورد نظر خود (شهروند ۲۰ تا ۶۰ سال) مصاحبه به عمل آمد. و در نهایت با استفاده از فرمول کوکران ۳۸۳ نفر به عنوان نمونه ی آماری انتخاب شدند، ابزار گرد آوری بخش کمی پرسشنامه محقق ساخته متناسب با سوالات تحقیق بود این پرسشنامه دارای ۲۵ سوال بود که روایی آن صوری و برای پایایی آن از روش آلفای کرونباخ استفاده گردید که برابر با ۰/۸۳ به دست آمد. روش تجزیه و تحلیل اطلاعات در این تحقیق هم توصیفی و هم استنباطی بود. در بخش روش توصیفی، تجزیه و تحلیل داده ها با استفاده از آماره های توصیفی میانگین، انحراف معیار، فراوانی و درصد انجام شده است. در بخش روش استنباطی نیز با توجه به فرضیه های تحقیق از آماره های استنباطی مناسب هر یک از فرضیه ها از جمله آزمون t، همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر با استفاده از نرم افزار آماری spss استفاده شده است.

## یافته ها : بررسی توصیفی شاخص انسداد

جدول (۱) توزیع فراوانی انسداد اجتماعی در ایران

انسداد اجتماعی	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
تعداد	۶	۲۵	۱۳۱	۱۴۰	۸۱
درصد	۱/۶	۶/۵	۳۴/۲	۳۶/۶	۲۱/۱

با توجه به نگاره فوق تنها ۱/۶ درصد پاسخگویان گفته‌اند که در جامعه ایران انسداد اجتماعی وجود ندارد. ۶/۵ درصد نیز میزان انسداد اجتماعی را کم ارزیابی کرده‌اند و ۳۴/۲ درصد نیز معتقد بودند که انسداد اجتماعی در جامعه ایران در حد متوسطی می‌باشد. ۳۶/۶ درصد هم معتقد بودند که انسداد اجتماعی در جامعه ایران زیاد است و ۲۱/۱ درصد هم گفته‌اند که انسداد اجتماعی در جامعه ایران خیلی زیاد است. در مجموع می‌توان گفت که از دیدگاه پاسخگویان، انسداد اجتماعی در جامعه ایران زیاد بوده است.

بررسی توزیع نرمال داده‌ها با استفاده از آزمون K\_S

جدول (۲) آزمون نرمال بودن توزیع داده‌ها

متغیرهای تحقیق	آزمون کولموگروف-اسمیرنوف	سطح معنی داری
ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان	۰/۰۶۴	۰/۱۹۶
انسداد اجتماعی	۰/۰۶۲	۰/۱۹۸
دسترسی به قدرت	۰/۰۷۳	۰/۱۴۲

با توجه به نگاره فوق آزمون نرمال بودن متغیرهای تحقیق آمده است. برای بررسی نرمال بودن متغیرها از آزمون کولموگروف-اسمیرنوف استفاده شده است. همچنان که در جدول مشاهده می‌گردد سطح خطای همه متغیرها از ۵ درصد بزرگ‌تر است؛ بنابراین می‌توان گفت که توزیع همه متغیرها نرمال بوده است و داده‌های این تحقیق از منحنی نرمال تبعیت می‌کنند.

۱. ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان در مقایسه با سایر استان‌های کشور تفاوت دارد.

جدول (۳) آزمون معنی داری توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان

میانگین جامعه	میانگین نمونه	آزمون تی	تعداد افراد نمونه	سطح معنی داری
۴۸	۳۲/۸۲	۳۷/۷۱	۳۸۳	۰/۰۰۱

برای آزمون این فرضیه از آزمون تی تک‌گروهی استفاده شده است. میانگین فرضی جامعه برابر ۴۸ و میانگین نمونه نیز برابر ۳۲/۸۲ بوده است. مقدار آزمون تی برابر ۳۷/۷۱ و سطح معنی داری آن نیز ۰/۰۰۱ می‌باشد. بنابراین با احتمال یک درصد می‌توان گفت که از دیدگاه پاسخگویان، توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان نسبت به دیگر استان‌های کشور ناعادلانه بوده است و



استان کردستان سهم کمتری از فرصت ها و امکانات را نسبت به دیگر استان های کشور کسب کرده است.

جدول شماره (۴) توزیع فراوانی مولفه های فرصت ها و امکانات در استان کردستان

ردیف	موارد	خیلی کم	کم	متوسط	زیاد	خیلی زیاد
۱	سرمایه گذاری در بخش صنعت	۶۵/۹	۱۳/۳	۵/۷	۷/۶	۷/۴
۲	اشتغال مردم	۶۶/۱	۱۴/۱	۶/۵	۳/۱	۱۰/۱
۳	احداث بزرگ راهها و جاده ها	۶۱/۹	۲۶/۶	۶/۳	۱/۰	۴/۲
۴	تعداد کارگاههای صنعتی	۴۲/۰	۳۰/۳	۱۲/۱	۹/۷	۵/۹
۵	امید به زندگی	۴۷/۰	۲۳/۰	۲۳/۲	۵/۷	۱/۰
۶	ارزش افزوده تولیدات صنعتی	۴۴/۱	۲۵/۳	۱۱/۵	۴/۷	۱۴/۴
۷	کیفیت و امکانات فرودگاه	۵۷/۳	۱۸/۰	۹/۴	۱/۵	۴/۴
۸	امکانات دانشگاهی استان	۲۳/۵	۲۲/۵	۳۴/۲	۸/۶	۱۱/۲
۹	دسترسی مردم به خدمات پزشکی	۴۴/۴	۲۵/۸	۲۱/۱	۷/۰	۱/۶
۱۰	دسترسی مردم به خدمات رفاهی	۲۹/۸	۲۳/۵	۳۰/۰	۱۳/۱	۳/۷
۱۱	امکانات زیربنایی در استان	۴۱/۰	۲۶/۹	۲۲/۷	۵/۲	۴/۲
۱۲	دسترسی به آب آشامیدنی سالم	۱۵/۹	۱۱/۰	۳۹/۴	۲۸/۵	۵/۲
۱۳	جذب نخبگان استان در پست های کلان مدیریتی کشور	۵۳/۳	۲۱/۴	۱۴/۱	۵/۰	۶/۳
۱۴	اشتغال جوانان استان در مشاغل دولتی	۱۹/۸	۳۱/۰	۱۹/۱	۱۱/۰	۱۹/۰
۱۵	سرمایه گذاری دولتی در استان	۴۸/۶	۲۴/۸	۱۷/۸	۵/۲	۳/۷
۱۶	تقسیم عادلانه بودجه	۳۸/۹	۲۶/۴	۲۴/۳	۶/۸	۳/۷

در نگاره فوق میزان امکانات و فرصت هایی که دولت در استان کردستان فراهم نموده است، آمده اند. همانگونه که جدول فوق نشان می دهد میزان وجود فرصت ها و امکانات در استان کردستان در همه موارد زیر کم و ناچیز بوده است. این امر نشان می دهد که دولت برای استان کردستان در مقایسه با دیگر استان های کشور کار نکرده است. به عبارت دیگر عملکرد دولت را در استان کردستان در همه موارد زیر ضعیف ارزیابی نموده اند. این اعداد نشان می دهند در حق استان کردستان اجحاف شده است و شهروندان استان کردستان نسبت به سایر استان های کشور محرومیت بیشتری دارند.

۲. بین عامل انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان رابطه وجود دارد.

جدول (۵) همبستگی بین انسداد اجتماعی و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی داری
**۰/۲۲۱-	۳۸۳	۰/۰۰۰

برای آزمون این فرضیه از ضریب همبستگی پیرسون استفاده شده است. همانگونه که در جدول آمده است ضریب همبستگی بین انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان برابر ۰/۲۲۱ بوده است که معکوس می‌باشد. سطح معنی‌داری آن هم برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد که از ۵ درصد کوچکتر است. بنابراین می‌گوییم که بین انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد. به عبارت دیگر از دیدگاه پاسخگویان، انسداد اجتماعی در ایران موجب شده است تا استان کردستان نسبت به دیگر استان‌های کشور و بخصوص استان‌های مرکزی ایران، از فرصت‌ها و امکانات کمتری برخوردار باشد. و انسداد عاملی در محرومیت استان کردستان بوده است. بنابراین فرضیه صفر را رد و فرضیه تحقیق را قبول می‌کنیم و می‌گوییم بین انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.

۳. بین دسترسی به قدرت در جامعه ایران و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان رابطه وجود دارد.

جدول (۶) همبستگی بین دسترسی به قدرت و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات

ضریب همبستگی پیرسون	تعداد	سطح معنی‌داری
-.۰/۴۷۴**	۳۸۳	۰/۰۰۰

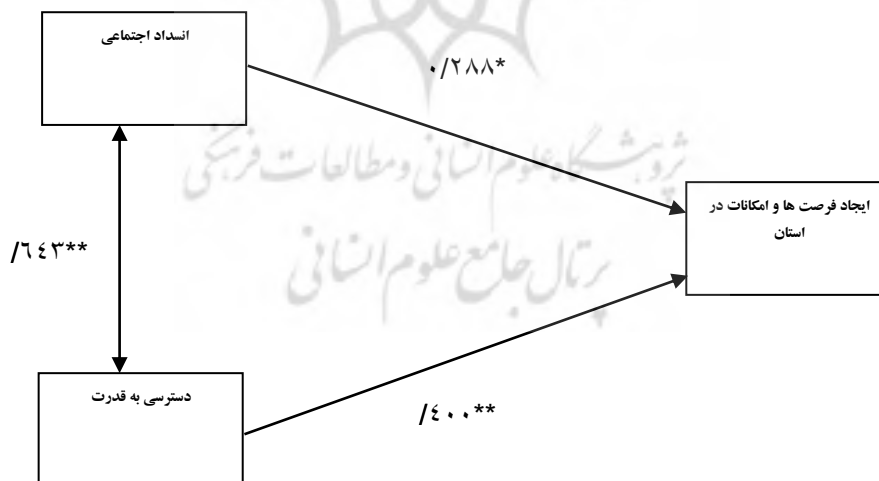
با توجه به آنچه که در جدول فوق آمده است ضریب همبستگی پیرسون بین دسترسی به قدرت در جامعه ایران و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان برابر ۰/۴۷۴ و سطح معنی‌داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ می‌باشد که از ۵ درصد کوچکتر است. بنابراین می‌توان گفت که بین دسترسی به قدرت در جامعه ایران و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد و این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که هر چه مردم استان کردستان دسترسی کمتری به منابع قدرت در ایران داشته باشند، فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان هم کمتر بوده است. با توجه به نتیجه بدست آمده فرضیه بالا را تایید می‌کنیم و می‌گوییم که بین دسترسی به قدرت در جامعه ایران و ساختار توزیع فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوس و معنی‌داری وجود دارد.

در تحلیل مسیر ضرایب مسیر همان ضرایب رگرسیونی استاندارد هستند. همانطور که از نمودار زیر بر می آید متغیر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان به عنوان متغیر وابسته نهایی در نظر گرفته شده است. متغیرهای انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و دسترسی نابرابر به قدرت تأثیر مستقیم بر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان داشته اند که بزرگترین ضریب مسیر مربوط به دسترسی نابرابر به قدرت در جامعه ایران می باشد. متغیر انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران هم علاوه بر تأثیر مستقیم از طریق متغیر دسترسی نابرابر به قدرت به صورت غیر مستقیم بر ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان تأثیر دارد.

جدول (۷) ضرایب مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر روی ساختار توزیع فرصت و امکانات

ردیف	متغیرها	تأثیر مستقیم	تأثیر غیر مستقیم	تأثیر کل
	انسداد اجتماعی	۰/۲۶۸	۰/۲۵۷	۰/۵۲۵
	دسترسی به قدرت	۰/۴۰۰	---	۰/۴۰۰

در جدول فوق تأثیر مستقیم و غیر مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته یعنی ساختار توزیع فرصت و امکانات در استان کردستان آمده است. همچنان که مشاهده می گردد. متغیر انسداد اجتماعی نیز تأثیر مستقیم (۰/۲۶۸) و غیر مستقیم (۰/۲۵۷) بر ساختار توزیع فرصت و امکانات داشته است. متغیر دسترسی به قدرت به صورت مستقیم با ضریب مسیر ۰/۴۰۰ بر ساختار توزیع فرصت و امکانات در استان کردستان تأثیر داشته است.



نمودار (۱) مدل ضرایب رگرسیونی برای ایجاد فرصت ها و امکانات در استان کردستان

## بحث و نتیجه‌گیری

جامعه ایران دارای پیچیدگی‌های تاریخی، ساختاری و کارکردی ویژه‌ای است. کم توجهی صاحب نظران توسعه اقتصادی-اجتماعی و مدیران سیاسی براین واقعیت، پیامدهای نامطلوب و بحران‌زایی در جامعه بوجود آورده که نیازمند تحقیقات منطقه‌ای و ملی، تدابیر واقع‌بینانه و مدیریت مدبرانه و هوشمندانه است (سیف‌اللهی، ۱۳۸۷: ۱۹). اکثر جامعه‌شناسان کلاسیک و معاصر به‌نحوی بر پیامدهای زیان‌بار نابرابری‌های اجتماعی به‌ویژه نابرابری در توزیع ثروت مادی و فرصت‌های جامعه تاکید می‌کنند. جالب توجه اینکه اغلب این نظریه‌پردازان با گرایش‌های نظری مختلف آثار نسبتاً یکسانی را در این باب برای جامعه پیش‌بینی کرده‌اند.

از دیدگاه پارکین نابرابری بین گروه‌های اجتماعی در جامعه ریشه در انسداد اجتماعی دارد که به نظر او دسترسی به چنین مزایایی برای بعضی از گروه‌ها بسته است و چنین گروه‌هایی نمی‌توانند در جامعه پیشرفت کنند به عبارت دیگر بعضی از گروه‌های اجتماعی به واسطه مذهب، نژاد، زبان و ... ترد می‌شوند و گروه‌های دیگر به خاطر همین ویژگی‌ها، موقعیت‌های سیاسی و اجتماعی و اقتصادی و غیره را کسب می‌کنند. که با نگاه به استان کردستان در می‌یابیم اکثر پست‌های کلان‌مدیریتی، استاندار و غیره در دست افرادی با مولفه‌ی غیرکرد بودن و یا غیر سنی بودن می‌باشد. که این دو مولفه یعنی کرد و سنی بودن در پست‌های کلان‌به‌ندرت چه در سطح استان و چه در سطح کشور دیده می‌شود.

بر مبنای نظریه میلز هم می‌توان گفت که قدرت و منابع اقتصادی در دست تعداد معدودی از افراد جامعه است که این عده کنترل تمامی امکانات جامعه را برعهده دارند. این گروه از افراد جامعه که میلز از آنها به عنوان نخبگان قدرت یاد کرده است، بیشتر مرکز نشین هستند و یا در استان‌های مرکزی کشور ساکن می‌باشند. بنابراین سرمایه‌گذاری‌های عمده ایران در استان‌های مرکزی صورت گرفته است که معمولاً از امنیت اجتماعی بالایی هم برخوردارند. بر مبنای نظریه میلز می‌توان گفت که چون نخبگان سیاسی و اقتصادی کشور در استان‌های مرکز نشین و بزرگ ساکن هستند، بیشتر امکانات کشور نیز در این استان‌ها متمرکز شده‌اند. به همان میزان هرچه استان‌های ایران از مرکز دورتر قرار گرفته باشند، به همان میزان هم از امکانات و رفاه اجتماعی کمتری برخوردارند.

از نظر لانسکی هم عامل مهمی که در نابرابری‌های اجتماعی بین افراد و گروه‌ها موثر دانسته است، بهره‌مندی افراد از قدرت و دستیابی آنها به قدرت و منابع قدرت در جامعه است. بر این اساس

افرادی که دسترسی بیشتر به قدرت دارند بر سایر گروهها می توانند مسلط باشند. که با نگاه به مناطق و استان های مختلف کشور در می یابیم آن استان ها و مناطقی که دسترسی اندک به قدرت دارند و نتوانسته اند در به دست آوردن پست های سیاسی و مدیریتی کلان کشور سهم باشند از نظر اقتصادی، آموزشی، امکانات رفاهی و غیره نسبت به بقیه ی مناطق کشور محروم بوده و بدین ترتیب نابرابری بین استان ها در توزیع امکانات و مزایای اجتماعی بیشتر شده است.

پارکین معتقد است که نابرابری بین گروه های اجتماعی در جامعه ریشه در انسداد اجتماعی دارد. به عقیده او در یک جامعه راه پیشرفت و دستیابی به مزایای اجتماعی برای بعضی از گروه های اجتماعی بسته است و بعضی از گروه ها و طبقات اجتماعی نمی توانند در جامعه ترقی کنند. پارکین عواملی از قبیل نژاد و جنسیت را در انسداد اجتماعی جامعه موثر دانسته است. لذا می توان نابرابری بین استان ها و عدم توسعه یافتگی استان کردستان را در پرتو عواملی از قبیل نژاد و جنسیت تبیین نمود. بنابراین در راستای این نظریه ها، موضوع اصلی این مقاله در رابطه با بررسی و مطالعه جامعه شناختی ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان در سال ۱۳۹۷-۱۳۹۶ بود.

نتایج این تحقیق نشان داد که میانگین دیدگاه پاسخگویان، توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان نسبت به دیگر استان های کشور ناعادلانه بوده است و ایجاد فرصت ها و امکانات در استان کردستان نسبت به دیگر استان های کشور کمتر بوده است. همچنین ضریب همبستگی بین انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان برابر ۰/۲۲۱ بوده است که معکوس می باشد. سطح معنی داری آن هم برابر ۰/۰۰۰ می باشد که از ۵ درصد کوچکتر است. بنابراین می گوئیم که بین انسداد اجتماعی در نظام سیاسی ایران و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد. به عبارت دیگر از دیدگاه پاسخگویان، انسداد اجتماعی در ایران موجب شده است تا استان کردستان نسبت به دیگر استان های کشور و بخصوص استان های مرکزی ایران، از فرصت ها و امکانات کمتری برخوردار باشد. و انسداد عاملی در محرومیت استان کردستان بوده است. در همبستگی پیرسون بین دسترسی به قدرت در جامعه ایران و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان برابر ۰/۴۷۴ و سطح معنی داری آن نیز برابر ۰/۰۰۰ می باشد که از ۵ درصد کوچک تر است. بنابراین می توان گفت که بین دسترسی به قدرت در جامعه ایران و ساختار توزیع فرصت ها و امکانات در استان کردستان رابطه معکوس و معنی داری وجود دارد و این نتیجه قابل تعمیم به جامعه آماری

می‌باشد. به عبارت دیگر می‌توان گفت که هر چه مردم استان کردستان دسترسی کمتری به منابع قدرت در ایران داشته باشند، فرصت‌ها و امکانات در استان کردستان هم کمتر بوده است. در راستای این تحقیق، تحقیقاتی در داخل و خارج از ایران صورت پذیرفته‌اند که نتایج این تحقیق با نتایج آن‌ها همسو و هم‌نتیجه می‌باشد از جمله می‌توان به نتایج تحقیق زارع شاه آبادی و همکاران (۱۳۹۷)، رستمی و همکاران (۱۳۹۶)، نصیری (۱۳۹۲)، طهماسبی و همکاران (۱۳۹۱)، نقدی و حصاری (۱۳۹۱)، . کیم و لی (۲۰۱۸)، پرایاس و اوایلا (۲۰۱۶)، هازاری و موهان (۲۰۱۵)، زینگ و همکاران (۲۰۱۵)، وی و همکاران (۲۰۱۵) اشاره کرد. در تبیین این نتایج می‌توان گفت که نابرابری و عدم توازن در دسترسی به امکانات، فرصت‌ها و تامین نیازها، رابطه‌ای دو سویه با توسعه و توسعه نیافتگی دارد یعنی از یکسو خود عامل توسعه نیافتگی است و از سوی دیگر توسعه نیافتگی می‌تواند منجر به نابرابری گردد، عدم رعایت توزیع عادلانه فرصت‌ها و امکانات می‌تواند تبعات اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و حتی امنیتی دربر داشته باشد. بنابراین برنامه ریزی جهت توزیع عادلانه اهمیت ویژه‌ای دارد، به عبارت دیگر نابرابری باعث بدبینی مردم به نظام سیاسی، توسعه نابرابر، فقر و بیکاری و دیگر آسیب‌های اجتماعی می‌شود و اگر کاهش نیابد باعث مهاجرت و دست‌به‌دامن بیگانگان شدن و پیوستن به گروه‌های معاند و افراطی خواهد شد، رایت معتقد است که در جامعه‌ی سرمایه‌داری دو طبقه‌ی اصلی یعنی بورژوا و پرولتاریا وجود دارند. طبقه‌ی بورژوازی بر سه عنصر اصلی، فرایند تولید یعنی مالکیت اقتصادی، فرماندهی دستگاه‌های فیزیکی تولید و فرماندهی نیروی کار تسلط دارند؛ بنابراین طبقه‌ی بورژوا که عوامل تولید را در اختیار دارد بر اقتصاد و سیاست جامعه مسلط بوده و امکانات و فرصت‌های جامعه را در اختیار دارد، رالز نیز عدالت اجتماعی را در جامعه در پرتو دستیابی آزاد و یکسان افراد به موقعیت‌ها و مناصب اجتماعی مختلف می‌داند. او معتقد است عدالت اجتماعی زمانی تحقق می‌یابد که حق آزادی انتخاب فرصت‌ها و مشاغل در جامعه وجود داشته باشد.

با توجه به نتایج تحقیق راهکارهای زیر پیشنهاد می‌شود:

- سهم بیشتری از امکانات و فرصت‌ها برای استان کردستان و دیگر مناطق کمتر بهره‌مند در زمان تخصیص بودجه و امکانات لحاظ گردد که در این صورت توسعه‌ی کشور از حالت ناموزونی به سوی توسعه‌ی موزون جهش پیدا می‌کند و مناطق کمتر بهره‌مند احساس عادلانه بودن توزیع امکانات و فرصت‌ها خواهند نمود. به عبارت دیگر توزیع منابع و امکانات متوازن باشد.

- در نیاز سنجی مناطق و استان ها به سطح و مقدار نیازها بسته به شرایط و مقایسه با دیگر مناطق توجه شود و ویژگی های فرهنگی و اجتماعی آن مناطق همچون قومیت و مذهب به عنوان بهانه ای پنهان در عدم تخصیص لحاظ نشود و حتی در مورد اشخاص هم به گونه ای برخورد شود تا ویژگی هایی همچون فارس بودن، مذهب رسمی کشور داشتن. به عبارت دیگر شایسته سالاری در دادن موقعیت ها و امکانات به افراد لحاظ شود.
- مدیرانی که در استان کردستان به کار گمارده می شوند با دانش فنی بالا باشند و توسعه استان برای آنها مهم باشد که با نگاه به مدیران چند دهه ی اخیر اکثرا نتوانسته اند این استان را از رده های پایین توسعه در کشور خارج کنند. بنابراین نیاز به وجود مدیرانی توانمند و آشنا به مسائل و وضعیت استان احساس می شود که بتوانند در جهت توسعه یافتگی و عادلانه بودن توزیع امکانات و فرصت ها تلاش کنند.

### منابع

- آئین دوست، سمانه (۱۳۹۱) بررسی اثرات فرصت های نابرابر بر اقوام ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه فردوسی مشهد، دانشکده ادبیات و علوم انسانی
- ابراهیم زاده، عیسی؛ موسوی، میر نجف و کاظمی زاد، شمس الله (۱۳۹۱) تحلیل فضایی نابرابریهای منطقه ای میان مناطق مرزی و مرکزی ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک، سال هشتم، شماره اول، بهار ۱۳۹۱، صص ۲۳۵-۲۱۴
- امیراحمدیان، بهرام (۱۳۷۸) درجه توسعه یافتگی استانها و همسازي ملی در ایران، فصلنامه مطالعات ملی، سال اول، شماره ۱
- بهرامی، رحمت الله و رضایی، منصور (۱۳۹۴) درجه توسعه یافتگی استانهای ایران از نظر شاخصهای بهداشتی با استفاده از مدل موريس و روش تاپسیس خطی، دوماهنامه علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه- سال نوزدهم، شماره هفتم، بهمن و اسفند ۱۳۹۴
- جمالی، فیروز؛ قنبری، ابوالفضل و پورمحمدی، محمدرضا (۱۳۸۹) نگرشی بر مفهوم نابرابری و مفاهیم مرتبط با آن در مطالعات اجتماعی- اقتصادی، فصلنامه مدرس علوم انسانی- برنامه ریزی و آمایش فضا، دوره چهاردهم، شماره ۲، تابستان ۱۳۸۹، صص ۱۴۱-۱۲۱
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵) جامعه شناسی نظم، تحلیل و تشریح نظم اجتماعی، تهران، نشر نی
- حسین پناهی، محمد حسین (۱۳۹۳) توسعه فرهنگی ضرورت توسعه اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، فصلنامه برنامه ریزی رفاه و توسعه اجتماعی، شماره ۲۲، بهار ۱۳۹۳، صص ۲۳-۱
- دیریاز، عسگر (۱۳۸۰) نگاهی به اسلام و توسعه پایدار، تهران، دانش و اندیشه معاصر، چاپ اول
- سیدمن، استیون (۱۳۸۶) کشاکش آرا در جامعه شناسی ترجمه هادی جلیلی، تهران نشر نی

۶۴..... پژوهش‌های جامعه‌شناختی، سال چهاردهم/شماره اول و دوم / بهار و تابستان ۱۳۹۹

سیف‌الهی، سیف‌اله و حافظ‌امینی، حمیرا (۱۳۸۸). برنامه‌های توسعه اقتصادی-اجتماعی و تاثیر آن بر واگرایی و همگرایی گروه‌های قومی در ایران، فصلنامه پژوهش‌نامه علوم اجتماعی، سال سوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۸۸، صص ۱۰۳-۶۹

سیف‌الهی، سیف‌اله (۱۳۹۰). جامعه‌شناسی توسعه اقتصادی اجتماعی ایران، تهران: جامعه پژوهان سینا  
سیف‌الهی، سیف‌اله (۱۳۸۶). جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، چاپ دوم، ناشر موسسه انتشارات جامعه پژوهان سینا

سیدمن، استیون (۱۳۸۶). کشاکش آرا در جامعه‌شناسی ترجمه هادی جلیلی، تهران نشر نی  
قوام، سید عبدالعلی (۱۳۸۲). جهانی شدن و جهان سوم. دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، وزارت خارجه  
کرلینجر، فردان (۱۳۷۶)، مبانی پژوهش در علوم رفتاری (جلد اول) ترجمه دکتر حسن پاشا شریفی و دکتر جعفر نجفی زند، انتشارات آوای نور، تهران

گرب، ادوارد (۱۳۷۳) نابرابری اجتماعی: دیدگاه‌های نظریه پردازان کلاسیک و معاصر (مترجمان: محمد سیاهپوش و احمدرضا غروی زاد). تهران: نشر معاصر

علوی، سیدعلی؛ غراوی، محمد؛ فیضی، سلمان و ابراهیمی، مجتبی (۱۳۹۱). تحلیل نابرابری منطقه ای با رویکرد عدالت اجتماعی (مطالعه موردی: استان گلستان)، دو فصلنامه پژوهش‌های بوم‌شناسی شهری، سال سوم، شماره ۱، پیاپی ۵، بهار و تابستان ۱۳۹۱، صص ۱۰۴-۸۹

زارع، بیژن و زندی لک، علی اکبر (۱۳۹۰). مطالعه رابطه توسعه یافتگی اقتصادی-اجتماعی با میزان جرایم خشن در بین استان‌ها، مجله مطالعات اجتماعی ایران، دوره پنجم، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۰  
غلامیان کلهر، سلمان (۱۳۸۹). بررسی میزان احساس نابرابری قومی و عوامل موثر بر آن در شهر تبریز، پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته پژوهش‌های علوم اجتماعی دانشگاه شهید بهشتی

غفاری گیلانده، عطا؛ نیکفال مغاللو، ساسان؛ هاشمی معصوم آباد، رضا؛ (۱۳۹۶). سطح‌بندی توسعه‌یافتگی شهرستان‌های استان اردبیل به لحاظ شاخص‌های فرهنگی - اجتماعی، مجله: تحلیل اجتماعی نظم و نابرابری اجتماعی « شماره ۷۳ علمی-پژوهشی (۳۴ صفحه - از ۱۷۵ تا ۲۰۸)

کاشی، محمد؛ شیخاوندی، داور و رضایی، عبدالعلی (۱۳۷۳). جامعه‌شناسی قشرها و نابرابریهای اجتماعی، گناباد: نشر مرندیز

محمدزاده، حسین (۱۳۹۰). عوامل مرتبط با انواع قوم‌گرایی در میان کردهای ایران، پایان‌نامه دکترای تخصصی دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی

مهدوی حاجیلویی، مسعود؛ زارعی، یعقوب؛ رحمانیان کوشکی، مهدی و رخشانی، اسماء (۱۳۹۲). تحلیل نابرابری فضاهای جغرافیایی توسعه بین مناطق روستایی مرکزی ایران، مجله مطالعات توسعه اجتماعی ایران، سال پنجم، شماره چهارم،

مصلی نژاد، غلامعباس (۱۳۸۴). دولت و توسعه اقتصادی در ایران، تهران، انتشارات قومس



نصیری، مهسا (۱۳۹۲) بررسی مقایسه ای سطح توسعه و عدم تعادل صنعتی در منطقه زاگرس و عوامل موثر بر آن، پایان نامه کارشناسی ارشد دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده علوم اجتماعی گزارش خبرگزاری ایسنا، دسترسی آذر ۹۶

مردوخی، سوما؛ ارسی، ایرج ساعی؛ وثوقی، منصور (۱۳۹۸) بررسی و رتبه بندی استان های ایران با استفاده از شاخص توسعه انسانی (با تأکید بر استان کردستان)، دوره ۱۶، شماره ۴ - شماره پیاپی ۶۳ صفحه ۱۲۰-۱۴۳

Kima, H. and Leeb, Y. (۲۰۱۸) Socioeconomic status, perceived inequality of opportunity, and attitudes toward redistribution, *The Social Science Journal*, Available online February ۲۰۱۸, <https://doi.org/10.1016/j.soscij.2018.01.008> Get rights and content

Hazari, Bharat and Mohan, Vijay (۲۰۱۵) Social exclusion, capital accumulation and inequality <https://doi.org/10.1016/j.iref.2015.07.004> Get rights and content

Peralías Diego, DanielOto and Ávilab, Romero (۲۰۱۶) The consequences of persistent inequality on social capital: A municipal-level analysis of blood donation data, *Economics Letters*, Volume ۱۵۱, February ۲۰۱۶, Pages ۵۳-۵۷, <https://doi.org/10.1016/j.econlet.2016.11.037> Get rights and content

